

# بررسی بکارگیری مفاهیم فلسفی در داستانهای کودکان (مطالعه موردی مجموعه داستانهای ناکجاآباد برای کودکان)

زهرا ستارپناهی<sup>۱</sup>، زینب برخوردار<sup>۲</sup>

تعلیم و تربیت اسلامی، بسیار اهمیت دارد. در این میان، نقش ادبیات، بعنوان شاکله و جوهر اصلی انتقال مفاهیم و نکات تربیتی، انکارنشدنی است. بر این اساس ادبیات کودک نیز اهمیتی درخور توجه می‌یابد. ادبیات داستانی کودکان در صورت دربرگرفتن مفاهیم فلسفی میتواند این مفاهیم را متناسب با زبان و اندیشه کودکان به آنها منتقل کند. درک مفاهیم فلسفی برخلاف تصور بسیاری از افراد، تنها مربوط به بزرگسالان نیست. حتی بدون محرکهایی چون داستان هم بسیاری از کودکان پرسشهای فلسفی می‌پرسند. آنها قادرند از تجربه و تخیل در نگرش به اسرار و مسائلی که زندگی انسان را دربرمیگیرد بهره ببرند (هینس، ۱۳۸۴: ۲۸).

مفاهیم فلسفی در اندیشه فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ مسلمان بسیار ارزشمند بوده و در جایگاه رفیع معنایی قرار گرفته است. این مفاهیم در قالب ادبیات داستانی در آثار فیلسوفانی همچون ابن‌سینا و سهروردی دیده میشود. *حی بن یقظان و سلامان و ابسال* ابن‌سینا و رساله‌های لغت *موران، عقل سرخ، صغیر سیمرغ* و... سهروردی، از جمله این داستانهای فلسفی هستند. این مفاهیم در رسائل تمثیلی شیخ اشراق اهمیت زیادی پیدا کرده‌اند. تبدیل و ساده‌سازی این رسائل در قالب ادبیات داستانی کودکان برای آشنایی آنها با میراث فکری بزرگان اندیشه مؤثر و مفید است. در این نوشتار، نخست چستی داستان و ادبیات داستانی بررسی میشود، سپس با تعریف کودک و ادبیات داستانی کودک، به مفاهیم فلسفی داستانها پرداخته میشود.

## داستان چیست؟

ادبیات داستانی در میان انواع ادبی از جایگاهی ویژه برخوردار است بهمین دلیل بین نویسندگان و بزرگان ادب تعاریفی گوناگون دارد. برای مقدمه لازم است به برخی از تعاریف داستان اشاره شود:

– نقل واقعه بنحوی که تابع توالی زمانی است. این اصطلاح کلاً به آن دسته از آثار روایتی منشور اطلاق میشود که جنبه

## چکیده

ادبیات داستانی در میان انواع ادبی از جایگاهی ویژه برخوردار است و در میان انواع ادبیات داستانی ادبیات کودک بدلیل نقش آن در رشد و پرورش پایه‌های تفکر، اهمیتی بسیار دارد. شیخ اشراق، در مقام فیلسوف بزرگ ایرانی و مسلمان که پایه‌گذار مکتب فلسفی اشراق است، برای بیان اندیشه‌های فلسفی و عرفانی خود از ادبیات داستانی بهره گرفته است. ساده‌سازی و تبدیل این مفاهیم متناسب با بیان کودکان، راهی برای ورود و آشنایی با اندیشه‌های ناب این فیلسوف است. داشتن مفاهیم فلسفی قابل بحث و مفهوم برای کودکان، قابلیت چالش و گفتگوی جمعی، داشتن محتوای برانگیزاننده و داشتن شخصیت‌هایی مشابه کودکان که در تجربه زیسته کودک بتوانند شریک شوند، از ویژگیهای داستانهای مناسب برای طرح در «فلسفه و کودک» است. نشر ثالث در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ و به سفارش سازمان یونسکو در ایران، شش جلد مجموعه داستانی با نام *ناکجاآباد* و با الهام از اندیشه‌های سهروردی منتشر کرده است. در پژوهش حاضر بصورت موردکاوی، این مجموعه داستانها، از جهت بکارگیری مفاهیم فلسفی در آنها بررسی شده است. چستی مفاهیم فلسفی موجود در این داستانها و همچنین تحلیل مؤلفه‌های کارآمدی داستانهای فکری در این مجموعه، نشان میدهد که این داستانها برای مباحث فلسفی در حلقه‌های کندوکاو فکری قابل استفاده هستند.

**کلیدواژگان:** ادبیات داستانی کودک، شیخ اشراق، *قصه‌های ناکجاآباد*، مفاهیم فلسفی.

## مقدمه

توجه به پرورش اندیشه و تعلیم و تربیت کودک از مسائلی است که در همه نظامهای آموزشی، بویژه در نظام

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۳

۱. دانش آموخته کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ z.s.panahi@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران؛ barkhordariz@ut.ac.ir

خلاقه آنها بر واقعیت غلبه دارد و شامل قصه، داستان کوتاه، داستان بلند و رمان میشود (داد، ۱۳۷۵: ۲۶).

- داستان، اثر هنری منثور است که بر اساس ماجرای تخیلی یا واقعی که مجموعه‌یی از حوادث بهم پیوسته هستند، نوشته شده و میتواند جریان اصلی فیلم، کتاب و مانند اینها باشد (انوری، ۱۳۹۳: ۵۱۷).

- آثار منثوری که از ماهیت تخیلی برخوردارند، یعنی هر اثر روایتی منثور خلاقه‌یی که با دنیای واقعی ارتباط معنیداری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار میگیرد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۲۱).

- اثر تخیلی منثور (آژند، ۱۳۷۵: ۲۶)

- فورستر داستان را نقل و روایت رخدادهایی میداند که بر اساس توالی زمانی سامان یافته باشند (بخشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۸).

با تأمل در تعاریف مختلف درمی‌یابیم که ویژگی توالی زمانی و رابطه علی بین حوادث و نیز تأکید بر جنبه خلاقیت و نوآوری، از شاخصه‌های مشترک این تعاریف است. بتعبیری دقیقتر، داستان را میتوان خلق شخصیتها و صحنه‌پردازیهایی باورپذیر و توضیح روابط میان شخصیتها و مواجهه آنها با حوادث دانست؛ بنحوی که مبتنی بر خلاقیت نویسنده باشد.

برای دستیابی به مفهوم ادبیات داستانی کودک، پس از واکاوی مفهوم داستان، تبیین واژه و مفهوم کودک ضروری است. در اصطلاح حقوقی، کودک کسی است که از نظر جسمی و روحی تواناییهای لازم برای شروع زندگی اجتماعی را نداشته باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۲۲). کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) کودک را شامل افراد زیر هجده سال میداند. اما در عرف رایج، دوران کودکی حد فاصل دوران نوزادی تا نوجوانی است. با این حال باید به این نکته توجه داشت که کودکان مینیاتور یا کوچک شده بزرگسالان نیستند بلکه افرادی مستقل، با نیازها، امیال و استعدادهای خاص خود هستند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰: ۱۱). کودک را اینگونه نیز میتوان تعریف کرد:

کودک موجودی کم‌دان و بسیار جوست که در پی یافتن پاسخی برای پرسشهای بیشمار خویش قدم در راه تجربه‌کردن میگذارد. ویلیام بلیک این دو مرحله (کم‌دانی و جستجو) را معصومیت و تجربه مینامد و معتقد است هیچیک از این دو بر دیگری برتری ندارد بلکه معصومیت و تجربه دو جنبه از هستی انسان است (شریف‌نسب، ۱۳۸۸: ۳۴۴).

با روشن شدن مفهوم داستان و کودک میتوان گفت ادبیات کودک اثری است که با عاطفه و شناخت کودک درمی‌آمیزد و هدف آن ایجاد پیوند همه‌سویه با کودک است (خسرونزاد، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

اگرچه ادبیات کودک پیشینه‌یی به دیرینگی فرهنگی و قومی در سرزمین ما دارد اما به سبک و سیاق نوین، از تولد آن بیش از یک سده نمیگذرد (همو، ۱۳۸۲: ۱۲۳). در جهان امروز نیز این گونه ادبی، در میان اقشار مختلف حائز اهمیت است. با توجه به تعریف داستان، ادبیات داستانی کودک را میتوان به آثاری اطلاق کرد که از نظر درونمایه و پرداخت و از نظر زبان داستان، با تجارب، علاقمندی و نیازهای کودکان هماهنگ بوده و برای آنها قابل فهم باشد.

### جایگاه داستان در برنامه «فلسفه و کودک»

در گذشته فلسفه‌خواندن و آموزش آن فقط مختص بزرگسالان بود و گمان میرفت که کودکان قادر به فهم مفاهیم فلسفی نیستند، اما با ابداع برنامه «فلسفه و کودک» این باور تضعیف شد. برنامه «فلسفه و کودک» که امروزه در بیشتر مناطق جهان گسترش یافته و با استقبال روبرو شده است، با هدف کمک به کودکان برای بهره‌گیری از فلسفه بمنظور رسیدن به توانمندیهای لازم در عرصه زندگی اجتماعی شکل گرفت. «فلسفه و کودک» را میتوان تلاشی برای بازسازی درس فلسفه دانست؛ یعنی فلسفه را مطابق سن کودکان، ساده و فهم‌پذیر سازیم تا آنها مهارتها و ابزارهای لازم برای اندیشیدن را در دست داشته باشند (شارپ و اسپلیتر، ۱۳۹۶: ۱۸۳). همچنین در این برنامه که نوعی تقویت مهارتهای تفکر فلسفی و منطقی محسوب میشود، ترغیب کودکان به نقاد بودن، استدلال کردن و خلاقیت در تفکر بسیار پر اهمیت است و به کودکان کمک میکند منطقیتر و معنادارتر فکر کنند. عبارت دیگر، این برنامه میکوشد کودکان را افرادی متفکرتر بار آورد تا در برخورد با مسائل زندگی اجتماعی، رفتاری هوشمندانه‌تر و عاقلانه‌تر داشته باشند.

یکی از روشهای کارآمد در برنامه «فلسفه و کودک» استفاده از ابزار داستان است. اهمیت داستان، زمانی بیشتر میشود که بدانیم در هر زبان و هر نقطه‌یی از جهان، داستان پایه اصلی تفکر و ارتباط محسوب میشود. بوسیله داستان، مخاطب میتواند فکر خود را بسط داده و درباره

ساختار، نقش و اهداف زبان تأمل کند. به بیان دیگر، داستان مخاطب خویش را بعنوان یادگیرنده، در یادگیری توانمند میسازد (فیشر، ۱۳۹۰: ۳) و بهترین ابزار برای جذب کودکان بسمت مفاهیم منطقی و فلسفی است. درک داستان یکی از مقدماتیترین قدرتهایی است که در ذهن کودک ایجاد میشود و وسیله‌ی برای درک جهان و خویشتن است (همو، ۱۳۸۵: ۱۳۵). کودکان باید معانی و مفاهیم مورد نیاز خود را از طریق جستجو و تفکر بدست آورند و داستان ابزاری مناسب برای کاوش در معانی است. بعبارت دیگر، واژه‌ها میتوانند افکار، احساسات، عقاید، اعمال و روابط افراد را شکل دهند و هنگامی که بصورت منسجمی (مانند داستان) کنار هم قرار میگیرند، تأثیرگذارترند و بدلیل این قابلیت، میتوان از داستان برای آموزش غیرمستقیم استفاده کرد (یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۵).

از آنجا که داستان با احساساسها، نگرشها و ارزشهای کودکان سروکار دارد، محرکی بسیار قوی برای کندوکاو فلسفی بشمار می‌آید (کم، ۱۳۹۷: ۲۱). داستانهای فلسفی میتوانند باعث تقویت یادگیری و مشارکت کودکان در این امر گردند (شارپ و اسپلیتر، ۱۳۹۶: ۲۲۰). این داستانها با بیان مفاهیم منطقی، ضمن آشنایی کودکان با این مفاهیم، آنها را برای بکارگیری استدلالهایی با مبنا و اصول صحیح منطقی ترغیب و آماده میکنند.

البته بهره‌گیری از داستان بعنوان ابزاری برای آموزش، روش انحصاری و ابتکاری این برنامه نیست بلکه فیلسوفان مشهوری همچون ابن‌سینا و سهروردی نیز برای بیان مطالب بسیار انتزاعی، از داستان استفاده کرده‌اند. داستان *حی بن یقظان* ابن‌سینا و داستانهای تمثیلی سهروردی نمونه‌هایی از بکارگیری داستان در امر آموزش در آثار پیشینیان است (ستارپناهی، ۱۳۹۳: ۴).

لازم بذکر است که اگرچه ادبیات داستانی یا داستان نوشتاری در برنامه «فلسفه و کودک» از اهمیتی ویژه برخوردار است، اما منظور از داستان فقط شکل نوشتاری آن نیست. به بیان دیگر، صورت نوشتاری و متنی تنها یکی از روشهای داستانیگویی و مهمترین آنهاست، با این‌حال، ابزار دیگری هم برای انتقال مفهوم داستانی وجود دارد و کلاً هر قالبی که قابلیت بکارگیری در حلقه کندوکاو را داشته باشد، مانند نمایش، داستان متنی، کلیپ و... را شامل میشود.

داستانهای مناسب برای بکارگیری در این برنامه، از

ویژگیهایی برخوردارند؛ بعنوان مثال، محتوای برانگیزاننده و قابل بحث (کم، ۱۳۸۸: ۸)، برخوردار از وجوه معماگونه و دربردارنده پرسشهای فلسفی (وارتنبرگ، ۱۳۹۰: ۲۶) نمونه‌ی از این ویژگیهاست. جمع‌بندی میان آراء مختلف، شاخصهای داستانهای فکری را با چهار ملاک اصلی «محتوای برانگیزاننده»، «سرشار بودن از پرسشها و مفاهیم و چالشهای فلسفی»، «همه‌نگی و ارتباط با تجارب کودکان از طریق داشتن شخصیتها و قهرمانهایی مشابه کودکان کلاس» و «فاقد اصطلاحات فنی و تخصصی بودن» مشخص میکند (ستارپناهی، ۱۳۹۳: ۱۳).

### شیخ اشراق و داستانهای تمثیلی

رمز، یکی از عناصر زیبایی سخن و از جمله صور خیال مستقل است و شاعران و نویسندگان بسیاری از این تصویر خیالی برای بیان مقاصد خاص خود بهره برده‌اند (نصراصفهانی و حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

کلمه رمز در اصل مصدر (بر وزن نصر/نصر) و در زبان عربی بمعنی اشاره با لب، چشم، ابرو و دهان است و در زبان فارسی راز و سرّ و نشانه است و بمعنای امر نهفته میان دو نفر است و از جمله ویژگیهای مفید آن آرایش کلام و زیبایی، افزایش بلاغت و ایجاد جذابیت برای متن ادبی است (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۳). البته اصطلاح رمز تعاریفی مختلف دارد؛ در زیبایی‌شناسی رمز عبارتست از چیزی که علاوه بر معنی خاص خودش به چیز دیگر بویژه یک مفهوم معنویتر که کاملاً قابل تجسم نیست، اشاره دارد (Baldwin, 1960:p.64).

میتوان آن را اینگونه نیز تعریف کرد: چیزی که نماینده چیز دیگر باشد اما این نماینده بودن بعلت شباهت دقیق بین دو چیز نیست بلکه از طریق اشاره مبهم یا واسطه‌ی اتفاقی یا قراردادی است (Shiple, 1970: p.322).

شیخ شهاب‌الدین سهروردی، بنیانگذار مکتب فلسفی اشراق، همواره نوعی رمز و راز برای سخنان بسیاری از فیلسوفان قدیم مانند فیثاغورث، انبازقلس، هرمس و... قائل است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۶: ۴۵۳). خود او نیز در این مسیر گام نهاده و در میان آثارش رسائل تمثیلی وی از اهمیت بیشتری برخوردار است. این رساله‌های عرفانی که حاوی تمثیلهای رمزی هستند برای مردم عادی و فاقد تجربه‌های خاص و عرفانی، نامفهوم و مبهم میباشند (پورخالقی چترودی و پارسا، ۱۳۹۰: ۳۰). دلایل استفاده از رمز و تمثیل‌گویی در بیان متفاوت است، از جمله:

پنهان ماندن مفاهیم از اغیار بخاطر دشواریها و مصلحتهای اجتماعی، ننگینیدن مفاهیم بزرگ عرفانی و اشراقی در ظرف کلام بشری، زیبایی ذوقی و کتمان اسرار (مظاهری، ۱۳۸۶: ۱۵؛ شهرستانی و محمدی، ۱۳۹۲: ۴).

### مفاهیم فلسفی بکار رفته در داستانهای ناکجاآباد

استفاده از مفاهیم فلسفی بزرگان ادب فارسی و فیلسوفان برای داستانهای کودکان، از جمله پژوهشهایی است که قدمت چندانی در کشور ما ندارد، با این حال در سالهای اخیر نویسندگان و پژوهشگران بسیاری در آثار خود به آن پرداخته‌اند. یکی از آثاری که در سالهای ۲۰۱۹-۲۰۱۸ و بمناسبت ورود نام شیخ شهاب‌الدین سهروردی در فهرست مشاهیر و گرامی‌داشتهای سازمان جهانی یونسکو تألیف شده، کتابهایی با عنوان مجموعه قصه‌های ناکجاآباد است که با الهام از رساله‌های شیخ اشراق و به سفارش کمیسیون ملی یونسکو در ایران به چاپ رسیده است. این مجموعه شش جلدی داستانهای کوتاه، که برای مخاطب کودک نوشته شده، در سال ۱۳۹۹ منتشر شده است.

برای بررسی مفاهیم فلسفی بکار رفته در این داستانها ابتدا مفاهیم فلسفی قابل فهم برای کودکان مورد بحث قرار گرفته و سپس داستانها تحلیل و واکاوی خواهد شد.

### مفاهیم فلسفی قابل فهم برای کودکان

طبق یکی از نظریه‌ها، بطور کلی پرسشها و مفاهیمی که فلسفه بوجود می‌آورد را براساس ارتباطشان، میتوان در یکی از این حوزه‌های فلسفی قرار داد: متافیزیک، معرفت‌شناسی، اخلاق و فلسفه اجتماعی، زیبایی‌شناسی و منطق (کم و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲). حوزه‌های این مفاهیم شامل طیفی گسترده از مطالعات اجتماعی، زبان و ادبیات، رشد فردی، هنر و... هستند (کم، ۱۳۹۷: ۱۴). برخی دیگر از مفاهیم مورد علاقه و قابل فهم برای کودکان نیز عبارتند از: انصاف، آزادی، دوستی، حقیقت، دانش، قضاوت و... (فیشر، ۱۳۸۶: ۳۰۵-۲۹۳). در یک دسته‌بندی کلیتر، مفاهیم متناسب با فهم کودکان در حوزه‌های زیر قرار میگیرند: مفاهیم بنیادی همچون: خوب، واقعی، زیبا؛ استدلال در مورد تفکر و بررسی دقیق تجربه؛ مباحث محیطی و استدلال دربارهٔ طبیعت؛ مباحث مربوط به زبان و هنر؛ مهارتهای بنیادین استدلال و تفکر و منطق؛ مسائل و اصول اخلاقی؛ مباحث نگارش و ادبیات و استدلال در زبان؛ مطالعات اجتماعی (ستارپناهی، ۱۳۹۳: ۱۴).

با توجه به موارد ذکر شده، مفاهیم فلسفی قابل فهم برای کودکان را میتوان ذیل سه مقولهٔ کلیتر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی تقسیم کرد.

### مفاهیم فلسفی داستانهای ناکجاآباد

این مجموعه داستانی شش جلدی بصورت داستان کوتاه عموماً برای گروه سنی ب، ج و دال (۵ تا ۱۲ سال) تألیف شده است. بررسی صورت گرفته بر مبنای مفاهیم فلسفی موجود در داستانها و فارغ از کارشناسی ادبیات داستانی و بصورت ارائهٔ خلاصه‌یی از کتاب و سپس طرح مفاهیم فلسفی انجام شده است.

### چه کسی اژدهای مرا کور کرد؟

این کتاب برای گروه سنی ج (۸-۱۰ سال) با الهام از رساله‌های عقل سرخ و لغت موران و اندیشه‌های سهروردی دربارهٔ نور و ظلمت نوشته شده است.

شخصیت اصلی داستان اژدهایی بنام اژدهاک بوده و داستان با زاویهٔ دید سوم شخص نگاشته شده است. اژدهاک (شخصیت اصلی) یک روز از خواب بیدار میشود و متوجه میشود که کور شده است. حیوانات جنگل برای کمک به او جمع میشوند. هیچکس نمیداند که مسبب این اتفاق خفاشهای سیاه بوده‌اند. آنها برای تاریک کردن تمام دنیا نقشه ریخته‌اند و قدم اول کور کردن اژدهاک است. در این هنگام، یک خفاش، با لباس مبدل بشکل و شمایل یک پیرزن از راه میرسد و میگوید تنها راه درمان اژدها خوردن نور است. اژدهاک نیز همهٔ نورها را میبلعد تا بالأخره چشمهایش درمان میشوند اما حالا چون او همهٔ نورها را خورده دیگر همه جا در تاریکی فرورفته است. گام بعدی خفاشهای سیاه از بین بردن اژدهاک است تا دیگر هیچگاه نور نتواند به جهان برگردد. حیوانات جنگل که از تاریکی خسته و درمانده شده‌اند نزد اژدهاک میروند و ضمن گله و شکایت از او میخواهند نورها را بازگرداند اما اژدها هرچه تلاش میکند نمیتواند. در این هنگام پیرمردی بنام عقل سرخ از راه میرسد و تنها راه بازگرداندن نور به جهان را دست یافتن اژدهاک به گوهرشب افروز میداند که در مسیر کوه قاف در پشت درخت طوباست و اژدهاک برای رفتن به آنجا باید از هدهد کمک بگیرد. اژدهاک نزد پرنده‌یی می‌رود که به گمانش هدهد است اما در میان راه میفهمد خفاشی است که خود را بشکل هدهد درآورده و هدهد در غار سیاه زندانی است. اژدهاک پس از کمک به هدهد با او

همراه میشود و در نهایت پس از گذشتن از سختیها و طی مراحل و منازل، به گوهر شبافروز دست می‌یابد و با آوردن آن به جنگل دوباره نور و زندگی جریان پیدا میکند.

عناصر اصلی فلسفه اشراق، شیوه اشراقی، محتوای فلسفی (علم‌الانوار) و علم‌النفس اشراقی است. با بررسی نظام فلسفی سهروردی میتوان گفت علم‌النفس مبدأ متافیزیک نوری است و او برای تبیین مفاهیم نوری فلسفه اشراق، از نفس آغاز میکند. محتوای این داستان نیز که از رساله عقل سرخ، یکی از پررمزترین رساله‌های عرفانی شیخ اشراق، الهام گرفته بر اساس الگوی نور و ظلمت است. نور بعنوان مظهر روشنایی و جریان زندگی و تاریکی بعنوان مبدأ ظلمت و خاموشی از مفاهیم قابل فهم برای کودکان هستند و با استفاده از همین دوگانگی و تلاش شخصیت اصلی داستان (اژدهاک) برای رسیدن به نور، داستان شکل گرفته است.

باید توجه داشت که فهم‌پذیر بودن مفاهیم برای کودکان شرط لازم و نه کافی برای استفاده از این داستانها بمثابه داستان فکری است. قابلیت بحث فلسفی و چالش‌برانگیز بودن و معناداری برای کودک نیز از مؤلفه‌های مهم دیگر هستند.

نور و ظلمت بعنوان مفهوم پایه و اصلی داستان، از جمله مفاهیمی هستند که با هدایتگری تسهیلگر در یک حلقه کدوکاو، میتوانند از سطح پرسشهای علمی و حسی به مفاهیمی فلسفی مبتنی بر مفهوم حقیقت و نیز مفهوم ارزش ارتقا یابند.

برخی دیگر از مفاهیم تمثیلی شیخ اشراق که بصورت ملموس و در روند پرداخت داستان به آنها اشاره شده است عبارتند از:

- عقل سرخ: نماد راهنما و روشنگر مسیر سالک؛ در این داستان پیرمردی سرخ‌موی راه دست‌یافتن به نور را به شخصیت اصلی داستان نشان میدهد.

- گوهر شبافروز: نماد سیاره قمر یا ماه که بر فلک قمر قرار دارد و شب را روشن میکند (پورنامداریان، ۱۳۹۲: ۲۵۴)؛ این گوهر همان رمز روشنایی است که اژدهاک باید آن را بدست آورد.

- کوه قاف: رمز فلک نهم که مرز میان عالم محسوس و معقول است (همان: ۲۴۷)؛ در داستان جایی است که عقل سرخ متعلق به آن است.

- درخت طوبی: در عالم ما رمز خورشید، در عالم مثال درخت طوبی و در عالم معقول نورالانوار است (همان: ۲۵۴) و در این داستان در مسیر رسیدن به گوهر

شبافروز است و یکی از نمادهای آن بشمار میرود.

- هدهد: بعنوان راهنما؛ در این داستان پرنده‌یی است که در بخشی از مسیر رسیدن به نور، اژدهاک را همراهی میکند. در این داستان خفاشها نیز بعنوان نماد تاریکی و رباینده روشنایی معرفی شده‌اند.

مفاهیم بکار رفته در این داستانها ذیل سه حوزه اصلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مقولات فلسفی قرار میگیرند.

عقل سرخ و هدهد شخصیتی معادل تسهیلگر در حلقه‌های کدوکاو هستند که وظیفه راهنمایی کودکان را بر عهده دارد، بهمین دلیل این مفهوم برای کودکان قابلیت همذات‌پنداری دارد.

گوهر شبافروز و درخت طوبی نیز اصطلاحاتی مبتنی بر مفهوم حقیقت (نور و روشنایی) هستند. مفهوم حقیقت بعنوان مفهومی هستی‌شناسی، برای کودکان قابل بحث و گفتگوی فلسفی است.

### راز هتل مرغابی

این حکایت کوتاه تمثیلی، با الهام از داستان سمندر و مرغابی در رساله فی حالة الطفولیه نوشته شده (که به اشتباه نام رساله عقل سرخ در ابتدای کتاب آورده شده) و برای گروه سنی ب و ج (۵- ۱۰ سال) به رشته تحریر درآمده است.

داستان درباره یک مرغابی است که مدیریت هتلی را بر عهده دارد اما هتل او بسیار بی‌رونق است و هیچ کسی به آنجا رفت و آمد ندارد. در این میان، روزی یک سمندر خسته به هتل می‌آید و مرغابی با خوشحالی به پذیرایی از او مشغول میشود و برایش استخر حمام را پر از آب میکند اما سمندر با دیدن این وضعیت فرار کرده و به هتل رقیب مرغابی که در نزدیکی همانجاست میرود. مرغابی با ناراحتی تصمیم میگیرد به آنجا برود و بفهمد راز پررونق بودن آن چیست. در آنجا میبیند که برای سمندر استخر شن گرم آماده کرده‌اند. او با تعجب دلیل این مسئله را از آنها میپرسد و پاسخی که میشوند اینست: باید بتوانی دنیا را از زاویه نگاه دیگران ببینی تا بتوانی نیازهایشان را رفع کنی. بدین ترتیب مرغابی به هتل بازگشته و پس از بازسازی هتل و ارائه خدمات متفاوت، موفق به جذب مسافر میشود چرا که میفهمد راز موفقیت هتل رقیب ارائه خدمات متفاوت به میهمانان، متناسب با نیازهای آنهاست. سهروردی این حکایت کوتاه را برای بیان معنای



عرفانی رازداری و کتمان سر از نااهل بیان کرده است (بهنام‌فر، ۱۳۸۲: ۵۳) و میگوید: «هر سخن به هر جای گفتن خطاست و هر سخن از هر کس پرسیدن خطاست» (سهروردی، ۱۳۴۸: ۲۵۴).

این داستان با زبانی ساده و کودکانه نوشته شده و چون حکایت اصلی نیز فاقد اصطلاحات خاص اشراقی است، در اینجا نیز محتوای حکایت تمثیلی بسط داده شده و داستان بازآفرینی شده است.

مفهوم اصلی حکایت، پرهیز از انتخاب افراد نااهل برای سخن گفتن است زیرا سخن گفتن با آنها سالک را از مقصد دور کرده و او را گرفتار میکند. برای بازنویسی و بازآفرینی این مفهوم بگونه‌یی که با فهم مخاطب کودک متناسب باشد، نویسنده از مفهوم جایگزین «خود را جای دیگری گذاشتن» و «از دریچه چشم دیگری دنیا را دیدن» استفاده کرده است، زیرا مرغابی که خود عاشق آب است برای مهمان خود یعنی سمندر نیز آب فراهم میکند غافل از آنکه سمندر از آب بیزار است و عاشق گرمی و آتش است. مشاهده تفاوتها و نگاه کردن به جهان پیرامون از زاویه دید سایر افراد بعنوان مفهومی ارزش‌شناختی، مهارتی در راستای عملکرد سنجیده‌تر در زمینه قضاوتها و مسائل اجتماعی است که این داستان آن را به زبان کودکان بیان کرده است.

### ملی خرسه و استاد زنبور

این اثر مطابق با شناسنامه کتاب، با الهام از رساله فی حالة الطفولیه برای گروه سنی ب و ج (۵-۱۰ سال) تألیف شده است.

داستان درباره خرسی است که عسل دوست دارد و بخاطر درآوردن عسل از کندوها، همیشه روی تنش پر از جای نیش زنبورهاست. یک روز، ملی خرسه، وقتی مثل همیشه بین گلها راه میرود، متوجه میشود استاد زنبور به‌مراه سه زنبور دیگر میخواهند عسل طلایی بسازند. ملی خرسه با خواهش از استاد زنبور درخواست همراهی میکند و استاد سرانجام میپذیرد. پس از گذشتن از سه مرحله تهیه عسل طلایی و با توجه به اخلاق خوب ملی خرسه در برابر سه زنبور دیگر با وجود مزاحمت‌هایشان نسبت به او، استاد زنبور بدلیل از خودگذشتگی و مهربانی ملی خرسه، او را بعنوان دستیار ویژه خود انتخاب میکند و سرانجام استاد زنبور و ملی خرسه با کمک نور گوهر شب‌چراغ موفق به ساخت عسل طلایی میشوند.

این داستان با دربرداشتن مفاهیم اخلاقی و همچنین

مهارتهای تفکر مراقبه‌یی و مسئولانه، در «فلسفه و کودک» قابل استفاده و مناسب است.

خلاصه داستان رساله فی حالة الطفولیه چنین است که قهرمان داستان کودکی است که بر سر کویی، چنانکه عادت کودکان است، بازی میکند. چند کودک میبینند؛ پیش آنان میرود و میپرسد کجا میروید؟ آنها میگویند که برای تحصیل علم به مکتب میروند. او در پی آنها میرود و در صحرا با پیر و راهنمای خود دیدار میکند و از او میخواهد تا به وی علم بیاموزد. استاد نیز هر روز چیزی برای او بازگو میکند، چنانکه روزی ده بار سالک برای آموزش نزد او میرود. پس قهرمان داستان از پیر میپرسد که آیا هیچ ممکن بود که دل بیگانه آشنا شود و روشن؟ پیر در پاسخ او را راهنمایی میکند و به او نشان میدهد که چگونه میتواند به حقیقت دست یابد (آتش سودا و صادقی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰).

حقیقت از مفاهیم مهم و قابل بحث برای کودکان هفت سال به بالاست، در صورت داشتن تمرینهای مناسب که کارآیی و اثر بخشی داشته باشند (ستارپناهی و برخوردار، ۱۳۹۶).

طرح اصلی این داستان مطابق همین رساله است؛ خرسی که برای دستیابی به فرمول ساخت عسل جادویی در محضر استاد زنبور تلمذ میکند ولی بدلیل بازگفتن برخی رموز در برابر زنبورهای رقیب دچار مشکلاتی میشود اما سرانجام با هدایت استاد زنبور و بوسیله گوهر شب‌افروز موفق به ساختن عسل جادویی میشود.

داستان یادشده، با وجود داشتن بیان کودکانه، برخی مفاهیم تمثیلی را نیز در خود دارد:

- استاد زنبور، معادل همان پیر و راهنما در رساله است. توجه به این نکته ضروری است که در داستانهای فکری، شخصیت معادل تسهیلگر وجود دارد اما دانای کل نه، چراکه وجود دانای کل بنحوی کودک را به مراجعه به او سوق میدهد و از تفکر باز میدارد. اینکه در داستانهای دیگر با هدف الگوسازی، دانای کل وجود داشته باشد خالی از اشکال است، اما چون در داستانهای «فلسفه و کودک»، بدنبال آموزش فرایند تفکر هستیم، ممکن است وجود این شخصیت، راه را بر تفکر ببندد.

- ملی خرسه: نماد همان کودکی است که بدنبال پیر و راهنما میرود.

- گوهر شب‌افروز: او به ساخت عسل جادویی کمک میکند و بعنوان نماد روشنی و کمال و راستی، از مفاهیم

ارزش‌شناسی قابل بحث برای کودکان است.

### کرم تابان و آفتاب‌پرست سایه رنگ

این اثر مطابق با شناسنامه کتاب، با الهام از رساله‌های فی‌حالة الطفولیه و لغت موران، برای گروه سنی ب و ج (۵-۱۰ سال) نوشته شده است.

داستان دربارهٔ دو شخصیت اصلی است؛ آفتاب‌پرستی که برای شکار مگسها زبانش را به قسمتهای تاریک جنگل پرت کرده و باعث آسیب دیدن یک خفاش شده است و کرم تابان مغروری که بیش از اندازه به زیباییش مینازد. آفتاب‌پرست تصمیم میگیرد به سرزمین آن سوی آبها سفر کند و در کشتی با کرم تابان مغرور، همسفر میشود اما وقتی بسمت کشتی میرود، خفاشها او را شکار کرده و به قصر خود که تاریک است میبرند و در آنجا تصمیم میگیرند او را برای مجازات در زیر آفتاب بگذارند؛ چون خودشان از آفتاب متنفرند گمان میکنند بودن در زیر آفتاب برای آفتاب‌پرست نیز زجرآور است. از سوی دیگر، کرم تابان هم که بر کشتی سوار شده و پیوسته از زیباییهایش برای مسافران تعریف میکند، هنگام گرفتاری کشتی در طوفان، غرق میشود و نخ زربینش که عامل اصلی روشنایی اوست، کنده شده و کرم به اعماق دریای تاریک فرو میرود. او در اعماق دریا و در دل تاریکی، میفهمد که برای روشن شدن باید به زیر آفتاب برگردد و با ندامت از غرور پیشین، سعی میکند به ساحل برسد. آفتاب‌پرست هم توسط خفاشها به ساحل و زیر نور آفتاب باز میگردد و سرانجام هر دو از گرفتاری رهایی می‌یابند.

قاعده پیرنگ در این حکایت، نزاع و درگیری دو کنشگر متضاد و با افکار مخالف است که مشتاقان حقیقت و کوردلان‌گريزان هستند. چند خفاش با آفتاب‌پرستی مشاجره میکنند و خفاشها تصمیم میگیرند که از او انتقام بگیرند و او را با آفتاب شکنجه دهند در حالیکه آفتاب‌پرست نهایت آرزویش چنین عذابی بود و آنها به قیاس حال خود چنین عذابی برای او در نظر گرفتند (تقی‌نژاد رودبند، ۱۳۹۴: ۸۰۳).

نویسنده این داستان را با تلفیق داستان حربا (آفتاب‌پرست) در لغت موران و نیز تمثیل کرم شب‌تاب در رساله فی‌حالة الطفولیه نوشته است. سهروردی در این رساله برای درمان بیماری دل، خوردن گیاه خوراکی کرم شب‌تاب را توصیه میکند و میگوید چون کرم شب‌تاب فکر میکند از آفتاب بینه‌ای است هنگام روز بیرون نمی‌آید.

تمثیلاتی که در این داستان بکار رفته عبارتند از:

- خفاش و آفتاب‌پرست (حربا): ویژگی بارز حربا دوست داشتن نور و ویژگی بارز خفاش گریز و نفرت از نور است. این صفات دوگانه قالب مناسبی برای بیان دوگانه‌انگاری اشراقی (نور و ظلمت) سهروردی است (محسنی، ۱۳۸۲: ۶). در این داستان با نشان دادن علاقه آفتاب‌پرست به خورشید و بیزاری خفاشها از نور، دوگانگی نور و ظلمت فلسفه اشراق با زبانی ساده بیان شده است. البته ذکر این نکته ضروری است که بیان مفاهیم برای کودکان بصورت مستقیم از قابلیت بحث‌برانگیزی و چالش‌برانگیز بودن آن میکاهد. همچنین، بیان این نوع دوگانگی در داستانها، اگر با هدایت تسهیلگر به پرسشهای عمیق فلسفی منتهی نشود، میتواند القاء‌کننده تفکر صفر و صدی یا بعبارت دیگر نگاه مطلق و غیرتشکیکی به مسائل بصورت صحیح و غلط باشد که یکی از آسیبهای این نگاه قضاوتها و داوریهای دور از انصاف خواهد بود.

- کرم شب‌تاب: کرم شب‌تاب در این رساله نماد معرفت حصولی است که پایینترین سطح از شناخت است (محمدپور و حسینی، ۱۳۹۶: ۹۷). در این داستان کرم تابان (شب‌تاب) که بسیار مغرور است در اعماق دریا گرفتار میشود و پس از از دست دادن روشنایی خود، میفهمد که اصل و بنیان نورش از خورشید بوده و همیشه محتاج آن است. مفهوم غرور از مفاهیم ارزش‌شناسی و اخلاقی و مناسب بحث و گفتگو در «فلسفه و کودک» است.

### گرگی که با فرشتگان رقصید

این اثر با الهام از رساله‌های صفیرسیمرغ، حکمت اشراق، عقل سرخ و آواز پر جبرئیل، برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۵ سال نگاشته شده است.

داستان دربارهٔ گرگ سیاه‌رنگی بنام شبرنگ است. شبرنگ که شخصیت اصلی داستان است در میان گله‌یی از گرگهای سفید زندگی میکند و سیاه بودنش در میان انبوه گرگهای سفید برایش ناخوشایند است و باعث اخلاص در شکار نیز میشود چون او سیاه است و شکارها او را میبینند و فرار میکنند. بهمین دلیل، یک روز شبرنگ سر به کوه میگذارد و برای یافتن پاسخ این سؤال که چرا در میان این همه سفیدی فقط او باید سیاه باشد به یک غار پناه میبرد. شبرنگ در غار با پرنده‌یی بنام پوپک آشنا میشود و پوپک او را به گذشتن از سیاهپه‌یانش و رسیدن به نور دعوت میکند، اما او نمیداند که راه رسیدن به نور کدام است. در

ادامه شبرنگ و پوپک معماهایی درباره نور و ظلمت برای هم طرح میکنند و سپس پوپک بسمت سیمرغ راهی میشود، شبرنگ هم برای رسیدن به نور سفرش را آغاز میکند و در پی رسیدن به جایی است که زمین به آسمان میرسد. اما چون از لاک پشت میشوند که زمین و آسمان تنها در چشمان ماست که بهم میرسند، در دل تاریکیها میروند و در این راه به این باور میرسند که هر رنگی گونه‌یی از نور است، حتی سیاه. سرانجام بر فراز قلّه کوه، شبرنگ به سیمرغ که همان پوپک و حقیقت تمام رنگهاست میرسد در حالیکه فقط خود او سیمرغ را میبیند و بقیه گرگها که در پایین کوه ایستاده‌اند فقط شبرنگ را میبینند که میدرخشد.

این داستان از میان ویژگیهای لازم برای داستانهای فکری در مجموعه *ناکجا آباد*، بیشترین مفاهیم فلسفه اشراق را در خود جای داده است. بنظر میرسد شخصیت اصلی داستان، یعنی شبرنگ (بمعنای به رنگ شب، سیاه رنگ)، نماینده نفس مجرد و روحانی باشد که در آثار شیخ اشراق بدلیل همراه شدن با بدن ظلمانی و مادی در دام این جهان اسیر شده است (آزیر و الیاسی، ۱۳۹۸: ۱۳)؛ این عبارت داستان، دلیلی بر این مدعاست «در هر چیز فرشته‌یی است نورانی، حتی در خود شما، حتی اگر سیاه سیاه باشید و تنهای تنها، فرشته‌یی که قفسش خود شما هستید» (توکلی، ۱۳۹۹: ۳۱). شبرنگ که از سیاهی خود خسته و ملول است برای رسیدن به این حقیقت که چرا باید سیاه باشد، به سیر و سلوک میپردازد.

مفاهیم نور و ظلمت فلسفه اشراق در این داستان بخوبی بیان شده است. مسیر رسیدن شبرنگ به حقیقت تمام نورها یعنی سیمرغ، بیانگر مسیر رسیدن به حقیقت نور و اتصال به مبدأ حقیقی نور است. عبارت دیگر، حقیقت اصلی این داستان را میتوان همان رسیدن به خود اصلی و حقیقی و هجرت از تاریکیها در دل خود تاریکی و اتصال به نور حقیقت (در این داستان سیمرغ) دانست.

مفاهیم و اصطلاحات تمثیلی این داستان بشرح زیرند:  
 - کوه قاف: شرح آن در داستانهای قبلی گذشت. در این داستان کوه قاف در مسیر رسیدن شبرنگ به سیمرغ قرار دارد و نمادی از رسیدن به رهایی و یافتن پاسخ همه پرسشهاست.

- پوپک: همان هدیه است که نماد راهنما و راه‌بلد مسیر است؛ کسی که برای گذشتن از ظلمات درون (نفس) و رسیدن به روشنایی و نور حقیقت، سالک (در این داستان، شبرنگ) را همراهی میکند.

- سیمرغ: همان عنقا و رمز خورشید است (پورشرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸) و نیز

هر آن هدیه‌ی که در فصل بهار به ترک آشیان خود بگوید و به منقار خود پر و بال خود بر کند و قصد کوه قاف کند، سایه کوه قاف بر او افتد به مقدار هزار سال این زمان - و این هزار سال در تقویم اهل حقیقت، یک صبحدم است از مشرق لاهوت اعظم و در این مدت سیمرغی شود (سهروردی، ۱۳۴۸: ۳۱۵-۳۱۴).

در این داستان نیز شبرنگ پس از رسیدن به سیمرغ درمی‌یابد که سیمرغ همان پوپک است: «و شبرنگ سیمرغ را شناخت سیمرغ همان پوپک بود» (توکلی، ۱۳۹۹: ۳۴).

بحث زمان و حرکت در زمان، تفاوت زمانها، تندی و کندی آن و... با توجه به ماهیت متافیزیکی این مفهوم، میتواند بحث فلسفی مناسبی برای کودکان دبستانی باشد. گوهر شب‌افروز، خفاش و کرم شب‌تاب از دیگر مفاهیم تمثیلی بکار رفته در این داستان هستند.

### بازرگان بخت برگشته و خوابهای سه قسمتی

این داستان با الهام از رساله فی حالة الطفولیه و برای گروه سنی ج نوشته شده است.

این داستان را میتوان بگونه‌یی ادامه حکایت معروف طوطی و بازرگان دانست. بازرگان در این داستان، پس از دست دادن طوطی، خواب میبیند او (طوطی)، الماس تاج پادشاه را دزدیده است؛ بهمین دلیل بدنبال طوطی میروند و او را می‌یابد که الماس را بلعیده است. از آن پس بازرگان بطمع الماسهایی که حالا در شکم طوطی است، او را همه جا با خود میبرد. در یک سفر دریایی، که بازرگان و طوطی همراه یکدیگر بودند، کشتی اسیر طوفان میشود و همه مسافران برای نجات، وسایلشان را به آب می‌اندازند تا وزن کشتی کم شده و بتوانند آن را از چنگ طوفان در امان نگه دارند، اما بازرگان طمعکار حاضر نمیشود قفس طوطی را به آب بیندازد ولی در عوض، حاضر میشود از لباسهایش بگذرد و تمام تن‌پوش خود را به آب می‌اندازد و طوطی را نگه میدارد.

بنظر می‌آید این داستان با الهام از این مفهوم در رساله فی حالة الطفولیه نوشته شده است که تعلقات دنیوی مانند نعمت و مال و جاه، حجایی بر سر راه مردان است و آنها را به این دنیا مشغول میکند تا نتوانند در مسیر خود پیش روند.

طوطی و الماس نماد وابستگی و تعلقات بازرگان هستند که مانع رهایی و رسیدن به خود حقیقتیند و تا



زمانیکه این حجاب برداشته نشود امکان رهایی و پرواز در نور حقیقت میسر نمیگردد. بازرگان نیز بعنوان کسی معرفی شده که دلبسته تعلقات مادی است و از نور حقیقت و از راه بازمانده است.

این داستان فاقد مفاهیم فلسفه اشراق است و بیشتر مبتنی بر پرداخت نویسنده و صحنه‌سازیهایی تخیلی است، بهمین دلیل قابلیت چندانی برای بررسی مفهومی از جهت تمیثلهای و نمادهای فلسفی ندارد. البته مفاهیم اصلی بکار رفته در داستان -یعنی مفهوم حرص و طمع- از مفاهیم اخلاقی هستند که ذیل مفاهیم ارزش‌شناسی قرار میگیرند و از قابلیت بحث و پرداخت فلسفی برخوردارند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

داستانهای «فلسفه و کودک» علاوه بر داشتن مفاهیم فلسفی، دارای محتوایی بحث‌برانگیز و چالشی هستند و بدلیل نزدیک بودن به تجربه‌های کودکان، جذابیت لازم برای همراهی با ادامه داستان را دارند.

در این پژوهش، نخست با روشن ساختن مفهوم ادبیات و داستان کودک و سپس بررسی اصول حاکم بر داستانهای فکری و مفاهیم فلسفی قابل فهم برای کودک، داستانهای مجموعه *ناکجاآباد* که با الهام از رسائل فلسفی شیخ اشراق نوشته شده‌اند، تبیین گردید و بر اساس آن، مشخص شد که داستانهای این مجموعه، بخاطر بکارگیری مفاهیم فلسفی و قابل بحث، در برنامه «فلسفه و کودک» نیز قابل استفاده هستند. البته این بمعنای تأیید قطعی این مجموعه از لحاظ ادبی و نگارشی نیست بلکه تنها از حیث مفاهیم فلسفی و محتوایی مورد قبول است. همچنین، بدلیل ویژگیهای بیانی خاص داستانهای فکری همچون پرهیز از مستقیم‌گویی و بیان مفاهیم فلسفی بشیوهی غیرمستقیم و در عین حال نزدیک به تجربه کودکان، و نیز با توجه به هدف تألیف این مجموعه داستانی که از اساس برای برنامه «فلسفه و کودک» نبوده است، برخی از این داستانها مؤلفه‌های بیانی لازم برای داستانهای فکری را ندارند. اما فقدان این مسئله بتنهایی برای عدم تناسب این داستانها با برنامه «فلسفه و کودک» کافی نیست و با هدایتگری یک تسهیلگر، این کتابها از قابلیت بحث و گفتگوی فلسفی در حلقه‌های کندوکاو برخوردار میشوند.

بنابراین، میتوان ادعا کرد داستانهایی که در حوزه کتاب کودک نوشته شده‌اند، اعم از اینکه با هدف اولیه نگارش بسبب داستانهای فکری تألیف شده باشند یا این هدف در تألیف آنها دخیل نباشد، چنانچه دارای مفاهیم

فلسفی قابل فهم برای کودکان بوده و با تجارب کودکان نیز سنخیت داشته باشند بگونه‌یی که مخاطب بتواند با آنها همذات‌پنداری کرده و تمایل به گفتگو درباره آن را داشته باشد، در برنامه «فلسفه و کودک» و خوانش جمعی در حلقه کندوکاو قابل استفاده هستند.

### منابع

آتش سودا، محمدعلی؛ صادقی، سمیرا (۱۳۹۱) «ساختار داستانهای شیخ اشراق بر اساس الگوی ویلادیمیر پراپ»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، شماره ۲۷، ص ۳۸ - ۱۱. آژند، یعقوب (۱۳۷۵) «درباره ادبیات داستانی: فرهنگ اصطلاحات ادبیات داستانی»، *ادبیات داستانی*، شماره ۳۹، ص ۳۴ - ۲۶.

آژیر، اسدالله؛ الیاسی، آزاده (۱۳۹۸) «انسان‌شناسی رمزی در داستانهای عرفانی شیخ اشراق»، *اندیشه دینی*، شماره ۷۱، ص ۲۲ - ۱.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۶) *شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی*، تهران: حکمت.

اسماعیلی، فائزه (۱۳۸۴) «تعریف کودک»، *ددرسی*، شماره ۵۰، ص ۲۸ - ۲۲.

انوری، حسن (۱۳۹۳) *فرهنگ روز سخن*، تهران: سخن. بخشی، مریم؛ تشکری، منوچهر؛ قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۹۶) «مصداق «پیرنگ» فرمالیستی در داستانهای کوتاه فارسی» *متن پژوهی/ادبی*، شماره ۷۲، ص ۱۱۶ - ۸۷. بهنام‌فر، محمد (۱۳۸۲) «تحلیل داستان و بیان رمزها و تمثیلات فی حالة الطفولیه»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، شماره ۱، ص ۶۰ - ۵۱.

پورخالقی چترودی، مهدخت؛ پارسا، شمس (۱۳۹۰) «بررسی صور ابهام و عوامل آن در رسائل عرفانی سهروردی»، *جستارهای ادبی*، سال ۴۴، شماره ۱۷۲، ص ۴۴ - ۲۹.

پورشرق، صابر؛ حکیم‌آذر، محمد؛ همتی، امیرحسین (۱۳۹۷) «تحلیل رساله عقل سرخ سهروردی»، *نشریه عرفان اسلامی (دیان و عرفان)*، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ص ۲۶۸ - ۲۴۵.

پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) *رمز و داستانهای رمزی*، تهران: علمی و فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲) *عقل سرخ*، تهران: سخن.

تقی‌نژادروشنه، فاطمه (۱۳۹۴) «نقد ساختاری روایت در رساله لغت موران سهروردی»، *گردهمایی سراسری انجمن ترویج*

*زبان و ادب فارسی/ایران*، دوره ۱۰، ص ۸۰۶ - ۷۹۴.

توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۹) *گرگی که با فرشتگان رقصید (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

جلائی فر، زهرا (۱۳۹۹) *بازرگان بخت برگشته و خواب‌های سه قسمتی (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲) «ویژگیها و مسایل فلسفه ادبیات کودک»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۰، شماره ۱ (پیاپی ۳۹)، ص ۱۳۵ - ۱۲۲.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴) «مفهوم کودکی و هدف ادبیات کودک»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۲، شماره ۴ (پیاپی ۴۵)، ص ۱۶۸ - ۱۵۴.

داد، سیما (۱۳۷۵) *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.

ستارپناهی، زهرا (۱۳۹۳) «قابلیت استفاده از داستانهای مثنوی (دفتر چهارم) در برنامه فلسفه برای کودکان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران*.

ستارپناهی، زهرا؛ برخوردار، زینب (۱۳۹۶) «بررسی اثربخشی و کارایی داستانهای مثنوی (دفتر ششم)»، *مجله فلسفه و کودک*، شماره ۱۶، ص ۲۶ - ۱۱.

سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۴۸) *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۳، (مشتمل بر مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق تصحیح و تحشیه و مقدمه سیدحسین نصر)، تهران: انجمن فلسفه ایران.

شارپ، آن مارگارت؛ اسپلیتر، لورنس. جی (۱۳۹۶) *چگونه بهتر اندیشیدن را آموزش دهیم*، ترجمه ناهید حجازی، تهران: پژواک فرزام.

شریف‌نسب، مریم (۱۳۸۸) «فلسفه ادبیات کودک» و «فلسفه در ادبیات کودک»: تضاد یا تعامل؟»، *فرهنگ*، شماره ۶۹، ص ۳۵۷ - ۳۴۱.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۰) *ادبیات کودکان*، تهران: مؤسسه اطلاعات.

شهرستانی، سیدحسن؛ محمدی، عباس (۱۳۹۲) «بررسی قابلیت‌های تصویری آثار رمزی اشراق سهروردی با رویکرد به داستان *آواز پر جبرئیل*»، *زیبایی‌شناسی ادبی*، دوره ۴، شماره ۱۸، ص ۲۲ - ۱.

عموزاده خلیلی، فریدون (۱۳۹۹) *چه کسی ازدها را کور کرد؟ (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

فتحی، نسترن (۱۳۹۹) *کرم تابان تاریک و آفتاب پرست سایه رنگ (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵) *آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان‌زاده*، اهواز: رسش.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶) *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰) *داستانهایی برای فکر کردن*، ترجمه جلیل شاهرودی لنگرودی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کم، فیلیپ (۱۳۸۸) *داستانهای فکری (۱)*، ترجمه فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی، تهران: شهرتاش.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۷) *باهم فکر کردن*، ترجمه مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش، تهران: شهرتاش.

کم، فیلیپ؛ فاینر، لیز؛ هریسون، کتلین؛ هینتون، لین؛ شل، رزی؛ واسئو، سیمون (۱۳۹۸) *فلسفه‌ورزی با داستانهای تصویری*، ترجمه فرزانه شهرتاش، تهران: شهرتاش.

محسنی، احمد (۱۳۸۲) «لغت موران»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ۶۸، ص ۸ - ۴.

محمدپور، علی؛ حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۶) «بررسی جایگاه رمز در اندیشه سهروردی بر اساس کتاب *حکمة‌الاشراق*»، *فصلنامه الهیات هنر*، سال چهارم، شماره ۸، ص ۱۰۶ - ۸۳.

محمودی، فاطمه (۱۳۹۹) *راز هتل مرغابی (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

مظاهری، عبدالرضا (۱۳۸۶) «رمز در داستانهای رمزی شیخ شهاب‌الدین سهروردی»، *عرفان اسلامی*، شماره ۱۳، ص ۲۸ - ۱۳.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۵) *عناصر داستان*، تهران: نگاه.

نصر اصفهانی، محمدرضا؛ حاتمی، حافظ (۱۳۸۸) «رمز و رمزگرایی با تکیه بر ادبیات منظوم عرفانی»، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، شماره ۱۶، ص ۱۹۶ - ۱۶۵.

وارتنبرگ، توماس (۱۳۹۰) *ایده‌های بزرگ برای بچه‌های کوچک*، ترجمه نسرين ابراهیمی لویه، تهران: شهرتاش.

هینس، جوانا (۱۳۸۴) *بچه‌های فیلسوف*، ترجمه رضاعلی نوروزی؛ عبدالرسول جمشیدیان و مهرناز مهربانی کوشکی، قم: سماء قلم.

یزدانی، معصومه (۱۳۹۹) *ملی خرسه و استاد زنبور (مجموعه قصه‌های ناکجاآباد)*، تهران: ثالث.

یوسفی، عاطفه (۱۳۹۳) «اهمیت و نقش داستان در فلسفه برای کودکان»، *فلسفه و کودک*، شماره ۳ (پیاپی ۷)، ص ۸۲ - ۶۳.

Baladwin James Mark (ed.). (1960). *Dictionary of Philosophy and Psychology*. Glouster: P.Smith.

Shipley, Joseph. (1970). *Dictionary of World Literary Terms*. London.